



حدیث منزلت و تجلی فضیلت امیرالمومنین(ع) در غزوه تبوک

پیامبر اکرم(ص) در غزوه تبوک برای نخستین بار بدون همراهی امیرالمومنین(ع) به سوی جهاد شتافتند و ایشان را به عنوان جانشین خود در مدینه قرار دادند و حدیث منزلت را برای آشکار ساختن فضیلت ایشان بیان کردند.

پیامبر اکرم(ص) در غزوه تبوک برای نخستین بار بدون همراهی امیرالمومنین(ع) به سوی جهاد شتافتند و ایشان را به عنوان جانشین خود در مدینه قرار دادند و حدیث منزلت را برای آشکار ساختن فضیلت ایشان بیان کردند.

به گزارش ایکن؛ در روز اول ماه رجب سال نهم هجری قمری آخرین غزوه پیامبر اکرم(ص) در منطقه تبوک به وقوع پیوست. مثلث شرک، نفاق و یهود تلاش می کرد با طراحی نقشه ای پیامبر(ص) را به همراه سپاهیان از مدینه خارج سازد تا منافقان مدینه در خلأ حضور پیامبر کودتا کنند و حاکمی از جانب خود منصوب کنند و پایتخت حکومت اسلام را به دست گیرند.

به همین دلیل پیامبر(ص) حضرت امیرالمومنین(ع) را به عنوان جانشین خود در مدینه باقی گذاشتند. پذیرش این ماجرا برای منافقان بسیار سخت بود، لذا زبان به طعن حضرت امیرالمومنین گشودند و گفتند: «اینکه رسول خدا علی را به جای خود در مدینه گذارده، نه به خاطر دوستی و گرمی داشتن و بزرگواری او بوده است، بلکه از روی بی‌وفایی و مهری با او نخواست است علی را همراه خود ببرد.»

این در حالی بود که هدف پیامبر(ص) از سپردن مدینه به حضرت امیرالمومنین این بود که راه نفوذ دشمنان و منافقان را به مدینه ببندد. این مسئله آن قدر دارای اهمیت بود که این تنها غزوه ای بود که حضرت علی(ع) در کنار پیامبر اکرم(ص) حضور نداشت.

برای خنثی کردن جو سازی منافقان، حضرت امیرالمومنین(ع) سلاح خویش را برداشتند و در ناحیه جرف به پیامبر ملحق شدند و سخنان منافقان را برای پیامبر بیان نمودند. پیامبر خدا به حضرت امیرالمومنین فرمودند: «ارْجِعْ يَا أَخِي إِلَى مَكَانِكَ فَإِنَّ الْمَدِينَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِي أَوْ لَكَ قُلْتُ خَلِيقَتِي فِي أَهْلِي وَ دَارِ هِجْرَتِي وَ قَوْمِي أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي يَمَنَزِلَةً هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ برادر من به جای خود بازگردد زیرا مدینه اصلاح نپذیرد جز به بودن من یا تو، پس تو جانشین من در میان خاندانم و محل هجرت من و عشیره ام هستی، آیا خوشنود نیستی که تو نسبت به من همانند هارون باشی نسبت به موسی جز اینکه پیغمبری پس از من نیست.»

یکی از احادیثی که شیعه امامیه در موضوع خلافت بلافضل حضرت امیرالمومنین(ع) به آن تمسک جسته و استدلال کرده rlm& اند، همین حدیث منزلت است که در غزوه تبوک از ناحیه مقام نبوت صادر شده است و محدثان و مؤرخان اسلامی از تمام فرق بر نقل آن اجماع و اتفاق دارند؛ چنانکه ابن عبدالبر این روایت را از درست ترین و استوارترین روایات دانسته است. حاکم نیشابوری هم طریق حدیث را صحیح دانسته و حافظ ذهبی نیز در تلخیص المستدرک بر صحت آن تأکید کرده است. ابن ابی الحدید هم آن را مورد اتفاق جمیع فرق اسلامی معرفی کرده است.

حتی مخالفان و معاندان امام علی نیز نتوانسته اند این حدیث را رد کنند و ناگزیر به پذیرش آن شده و گاه، ناخواسته، آن را نقل کرده اند. بنا به نقل خطیب بغدادی، ولید بن عبدالملک اموی هم اصل این حدیث را پذیرفته و در تحریفی آشکار، لفظ «هارون» را به «قارون» تبدیل کرده بوده است. مأمون عباسی نیز به هنگام احتجاج با فقها، به این حدیث استناد کرده است. بنابه نقل خطیب بغدادی، عمر با استناد به حدیث منزلت، فردی را که به علی(ع) دشنام می داد منافق خواند. معاویه هم حدیث منزلت را انکار نکرد و وقتی از سعد بن ابی وقاص پرسید: چرا علی را دشنام نمی دهی؟ سعد پاسخ گفت: به سبب سه فضیلتی که رسول خدا برای علی ذکر کرده است. آنگاه سعد به نقل این سه فضیلت پرداخت که نخستین آن حدیث منزلت بود. معاویه نیز از واداشتن سعد به دشنام گویی علی(ع) دست برداشت.

زید بن ارقم نیز از جمله اصحابی است که این حدیث را نقل کرده و در گزارش خود این مطلب را نیز افزوده است که وقتی رسول خدا حضرت علی را به جای خود در مدینه گماشت، گروهی تصور کردند که پیامبر(ص) از علی(ع) ناراحت است. وقتی این سخن به گوش حضرت علی رسید، آن را نزد پیامبر(ص) باز گفت و رسول خدا در پاسخ، حدیث منزلت را بیان فرمود.

شاید علت تشبیه امیرالمومنین(ع) به هارون به این جهت باشد که جناب هارون در نبود حضرت موسی خلیفه شد و مردم فریب سامری را خورده و گوساله پرست شدند و کسی به یاری هارون آن گونه که باید نشتافت و هارون در میان قوم به ناچار مصلحت را در صبر کردن دید. حدیث منزلت همه این وقایع را برای امام علی(ع) بیان می کند.